



عکس‌ها: خبرگزاری مهر

اهمیت پرداختن به شخصیت‌های تاریخ معاصر در گفت‌وگو با کارگردان کنسرت‌نمایش «کنل»

روایتی از شخصیتی که برای اعتلای کشورش آرام و قرار نداشت

نام او با نمایش «باغ خونی» شنیده شده بود و این بار با چالش‌های جدیدی برای کارگردانی یک اثر در قالب تلفیقی کنسرت با نمایش روبه‌رو بوده است. بشیری در تعریف داستان این نمایش می‌گوید: «کنل دربارہ یکی از شخصیت‌های تاریخ معاصر ماست، شخصیتهایی که در برهه خاصی قرار گرفته که کشور آستان حوادث مختلفی است. محمدتقی پسیان آرام و قرار ندارد و برای اعتلای کشور و آرامش مردم هر کاری که بتواند انجام می‌دهد و در این مسیر هیچ‌گاه امیدش را از دست نمی‌دهد. روحیه وطن‌دوستی و مردمداری پسیان به همراه تلاش برای ترقی کشورش باعث شده ما با اولین خلبان کشور آشنا شویم، کسی که دستی در هنر دارد و ورود جدی به آموختن علم و دانش کرده است.» او اعتقاد دارد که در کشورمان نمونه‌های اینچنینی نظیر

از قبل شناخت کاملی به قلم نویسنده داشتیم و نوع نگاهش را می‌شناختیم. ما در مورد ابعاد مختلف نگارش و کارگردانی نمایش صحبت می‌کردیم و به فضای ذهنی هم نزدیک شده بودیم. در نهایت نمایشنامه بهار ۹۸ نوشته شد و البته در چند نوبت نویسنده بازنویسی‌های متن را انجام داد.» این کارگردان اعتقاد دارد که خلوت‌های شخصی قهرمان نمایش بجا و سازنده به کار گرفته شده است و می‌افزاید: «در این نمایشنامه علاوه بر مرور و بازگویی اتفاقات پیرامونی پسیان که برای ما اهمیت زیادی داشت و نشان دادن اینکه به قول خود پسیان در متن نمایش: «زندگی‌ای که با امورات روزانه سازش ندارد و هر روزش آستن رویدادی غیرمترقبه است»، یک سری خلوت‌های شخصی برای محمدتقی نوشتیم که احساس می‌کنم مخاطب همذات‌پنداری خوبی با آنها پیدا کرده است. با اینکه این خلوت‌ها زیاد نیست اما به نظرم این مقدار کم باعث شده جذاب باشد و لحظات خاصی را ایجاد کند. همچنین سیر نمایش از همدان تا آلمان، تهران و خراسان و مسیری که کنل طی می‌کند باعث شده ما هم در اجرا سیال باشیم و لحظه به لحظه با مسائل مختلف نمایشی روبه‌رو شویم.» بشیری تجربه استفاده از خواننده و اجرای کنسرت و بهره‌مندی از ظرفیت‌های آن را در اجرای نمایش موفق و مؤثر ارزیابی می‌کند و ادامه می‌دهد: «این مسیر قبلاً هم پیموه شده و تأثیر خود را نشان داده است. مطمئناً دامنه مخاطبین نسبت به این آثار افزایش پیدا می‌کند. شما با مخاطبین نمایش و موسیقی مواجه می‌شوید. البته برخی تمایل دارند از این ظرفیت به صورت همزمان بهره‌مند شوند، اما خب چالش‌های خاص خود را هم دارد و مهم‌ترینش این است که این مخاطب احتمالاً توقع بیشتری هم نسبت به آثار دیگر از این اثر دارد و باید همزمان بتوانیم مخاطب نمایش و موسیقی را راضی نگه داریم. توجه به کیفیت نمایش و کیفیت موسیقی به صورت همزمان از مهم‌ترین مسائل اینچنینی آثار است.» او در خصوص اهداف موسیقی نمایش، شیوه ساخت و اجرای مبتنی بر روند داستان نمایش نیز می‌گوید: «موسیقی هم مانند دیگر ارکان نمایش برای طراحی و اجرا شکل گرفته است و البته در این اثر با توجه به نوع اجرای آن اهمیتش بیشتر می‌شود. ما از پیش تولید می‌داستیم که علاوه بر تصنیف‌ها که به صورت زنده خواهد بود، موسیقی متن نمایش



برخی تمایل دارند از این ظرفیت به صورت همزمان بهره‌مند شوند، اما خب چالش‌های خاص خود را هم دارد و مهم‌ترینش این است که این مخاطب احتمالاً توقع بیشتری هم نسبت به آثار دیگر از این اثر دارد و باید همزمان بتوانیم مخاطب نمایش و موسیقی را راضی نگه داریم

نقد



فریب‌های دوست‌داستانی

مریم شونیدی منتقد

اگر بپذیریم که ذات اصلی سینما فریب است، می‌توانیم بگوییم جنگل پرتقال از سینمایی‌ترین فیلم‌های ایرانی است. عنصر روایی فیلم بر «وا نمودگی» استوار است و کنش‌های دو شخصیت اصلی برای عنصر روایی حرکت می‌کند. این عنصر هم در درون داستان جریان دارد و هم در تخطاب با بیننده. یعنی همزمان که شخصیت‌های داستان در حال فریب یکدیگرند ما نیز در این میان فریب می‌خوریم و این از مهم‌ترین نقاط درخشان فیلم است. علی بهاریان که معلمی ناموفق و سرخورده است برای گرفتن مدرک خود ناخواسته با گذشته می‌گذارد. گذشته برای سهراب یا همان علی بهاریان یک نمود مکانی دارد، ننگ‌این: شهری که در آن سال‌ها ادبیات نمایشی خوانده و پر از خاطراتی است که چندان مایل نیست مهرش باز شود. با تطبیق این نمود مکانی می‌توانیم تمام داستان فیلم را سفر به گذشته‌های بدنامی که قرار است برای سهراب نقطه تغییری باشد. او همواره میان بودگی و وانمودگی در رفت و آمد است و سفرش به تنگناک مانند تقدیری شیرین او را در رها شدن از وانمودگش می‌کند. او هرچه بیشتر آدم‌های شهر را می‌بیند بیشتر سر از نقاب برمی‌دارد و خاطرات، چهره واقعی او را برملا می‌کند. فیلم بر یک زمینه حرکت می‌کند که قرار است مخاطب را تا نقطه تحول به دنبال خود بکشاند. زمینه، کلنجار درونی شخصیت سهراب و نزاع او بر سر مقبولیت است. همین شکمش‌ها که رفته‌رفته از حالت درونی به بیرون‌ریزی و حسادت کشیده می‌شود، یک علت تام برای پنهان کردن خود واقعی‌اوست. او دائماً برای جاورد کردن رذیلت‌هایش زیر فرش، به تخریب و تحقیر دیگران دست می‌زند و همین امر او را هرچه بیشتر در مسیر وانمود قرار می‌دهد. دو اسم بودن شخصیت اصلی که هم علی است و هم سهراب نیز بر این تأکید دارد که هویت او دچار دوگانگی است. این دوگانگی آنقدر در وجود او عمیق است که ما را برای دیدن سرنوشت یک آدم فرومایه به دنبال خود می‌کشد. گرفتن مدرک و تلاش سهراب برای به دست آوردنش هم به نوعی تجسم خلق او در نشان دادن کارهای ویتربینی و نمایشی است. سرنوشت او با مدرکش عین می‌شود چرا که مدرک هم مانند خود سهراب وجهی نمایشی دارد.

سهراب در ننگ‌این ناخواسته درگیر داستانی قدیمی درباره رابطه عاشقانه‌اش با مریم سبفی می‌شود. ورود مریم به داستان با آنکه سعی در نشان دادن ذات شفاف و بی‌پرده سهراب برای مخاطب دارد اما در ابتدا بیشتر ما را در باور چهره جعلی سهراب فرو می‌برد. این روند ادامه دارد تا یک بیلان کلیدی در خانه مریم و زوم دوربین بر چهره او کنار گرامافون و زیر نور ملبخ اناق. یک لبخند ساده که گویی از سر عشق و یادآوری خاطرات قدیمی است، اما طولی نمی‌کشد که می‌فهمیم مریم هم در حال بازی کردن نقش بوده تا در موقعیت مناسب دست سهراب را رو کند. این موقعیت جذاب و بموقع هم توانست مریم را در وضعیت پرفورمنس مضاعف (بازی در بازی) قرار دهد تا بگوید برخلاف ادعای سهراب او واقعاً بازیگر خوبی است و چهره بی‌نقاب سهراب را بر ما عیان می‌کند. از این جای داستان به بعد، یعنی بعد از رفتن سهراب از خانه مریم، موقعیت بازسازی شروع می‌شود. سهراب رفته‌رفته درصدد تطبیق خود واقعی‌اش با نمود خارجی برمی‌آید و این روند بدون شعار و شتاب اتفاق می‌افتد. انتخاب او برای تیغ زدن موها به جای استفاده از پودر، هدیه دادن صفحه به مریم و نیز سفر از جاده الموت نوعی بازگشت به خود و پالایش است؛ استعاره‌هایی که برای مخاطب تازه و بدیع است و مانند دل به دریا زدن نخ‌نما و فرسوده نشده است.

نکته قابل ستایش در فیلم درآمیختن واقعیت و وهم است. در چند جای فیلم شاهد این آمیختن بودیم که بهترین آن در میهمانی شبانه و هنگام خواندن نمایشنامه اتفاق افتاد. سهراب نمایشنامه را خواند و همه او را تشویق کردند، اتفاقی که به نظرم می‌آید باید وهم باشد اما با گذر از چند فکت دیگر در فیلم اینکه آیا صحنه خواب و توهم بوده یا واقعی، برای بیننده جای شک ایجاد می‌کند؛ حسی که همزمان برای سهراب هم می‌افتد و او نمی‌داند عاقبت توانسته خود را برای دانشجویان ادبیات نمایشی ثابت کند یا نه. اما نهایتاً دست از کشف این ماجرا برمی‌دارد تا خودش را از عذاب دست و پا زدن برای مقبولیت برهاند. این رها کردن در موقعیتی نهایی است، زمانی که دیگر چیزی برای پنهان کردن ندارد. او چاره‌ای ندارد جز این که فقط خودش باشد. باد بردن مدرک نیز در سکانس انتهایی مؤید همین تغییر سهراب است، مدرکی که می‌تواند با یک باد از دست برود مثل وانمودی زیبا از یک واقعیت تهی و دوست‌نداشتنی است.



محمد معتمدی اولین گزینه‌ای بود که برای عارف انتخاب کردیم. خاطر هست اولین دیدارمان برای این نمایش تابستان سال ۹۸ بود و گفت‌وگوی مفصلی درباره حضورش در نمایش داشتیم. محمد معتمدی از همان ابتدا نگاه بسیار مثبتی نسبت به این ایده داشت و حضورش در تمرینات با انرژی خوب و مثبتی همراه بود و امروز خیلی خوشحالم که محمد ایفاگر نقش کنل است.

ترکمنستان تمایل داشتند تا هفته فرهنگی خود را در شهر تاریخی اصفهان برگزار کنند.

روابط ایران و ترکمنستان ریشه در تاریخ دارد
وزیر فرهنگ ترکمنستان گفت: روابط ایران و ترکمنستان علاوه بر همسایگی، ریشه در تاریخ و قیرون گذشته دارد و راه‌اندازی روزها و برنامه‌های فرهنگی گامی مؤثر در جهت افزایش روابط خواهد بود. بین دولت‌های دوست ایران و ترکمنستان روابط دوستانه‌ای در راستای فرهنگ، تمدن، انرژی و سیاست وجود دارد که از گذشته ادامه داشته و امیدواریم ادامه‌دار باشد. راه‌اندازی روزها و برنامه‌های فرهنگی گامی مؤثر در جهت ارتقای روابط خواهد بود. در گذشته روزهای فرهنگی ترکمنستان در ایران برگزار شده است و این بار این رویداد در شهر زیبای اصفهان که دارای بناهای تاریخی زیادی است برگزار می‌شود. هنرمندان دو کشور در برنامه‌های فرهنگی به اجرا می‌پردازند و در «روزهای فرهنگی ترکمنستان در اصفهان» برنامه‌های متنوعی از جمله نمایشگاه صنایع دستی، کنسرت‌های موسیقی و شب شعر برنامه‌ریزی شده است.

پیشنهاد برگزاری مراسم در اصفهان از سوی ترکمنستان بود
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حاشیه این مراسم در جمع خبرنگاران گفت: سال آینده فیلم مشترک با موضوع مرحوم مختوم قلی از مفاخر مشترک دو کشور ایران و ترکمنستان به مناسبت سیصدمین سال تولد وی ساخته خواهد شد. رویکرد دولت سیزدهم افزایش تعاملات با کشورهای دوست و همسایه است. سال گذشته در عشق آباد هفته فرهنگی ایران را برگزار کردیم و دوستان



روابط ایران و ترکمنستان علاوه بر همسایگی، ریشه در تاریخ و قرون گذشته دارد و راه‌اندازی روزها و برنامه‌های فرهنگی گامی مؤثر در جهت افزایش روابط خواهد بود. بین دولت‌های دوست ایران و ترکمنستان روابط دوستانه‌ای در راستای فرهنگ، تمدن، انرژی و سیاست وجود دارد که از گذشته ادامه داشته و امیدواریم ادامه‌دار باشد



سایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مراسم هفته فرهنگی ترکمنستان در اصفهان خبر داد

همکاری مشترک ایران و ترکمنستان در ساخت فیلم مرحوم مختوم قلی

سینما آغاز شد. محمد مهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در استقبال از گلشاد محمدا، وزیر فرهنگ ترکمنستان دیدار با ایشان گفت: امیدواریم کشور ترکمنستان در جشنواره فجر و سایر رویدادهای فرهنگی حضور پررنگ‌تری داشته باشد و برگزاری روزهای فرهنگی ترکمنستان در ایران مایه خیر و برکت برای هر دو کشور باشد. ما مردم ترکمنستان را خوشایندان

محمد مهدی اسماعیلی در توییتی با اشاره به اهمیت روزهای فرهنگی ترکمنستان در ایران نوشت: «برگزاری هفته فرهنگی ترکمنستان در اصفهان با استقبال پرشور نخبگان و هنرمندان دو ملت، گامی عملی برای احیای «حوزه تمدنی مشترک» در منطقه است. امروز با وزیر فرهنگ ترکمنستان برگسترش این دیپلماسی فرهنگی تأکید کردیم.»



برش